

همگرایی حوزه و دانشگاه: ضرورتی برای تحقق اهداف ملی

دکتر محمدرضا مجیدی*

چکیده

با تعریف چشم‌انداز بیست ساله کشور و ارائه تصویری اجمالی از ایران آغاز سده پانزدهم هجری شمسی در سال ۱۴۰۴، بازخوانی نقش و جایگاه نهادهای مختلف اجتماعی در این مسیر و سهم هر یک در تحقق این مهم ضروری است. در این میان، نهادهای علمی کشور مسئولیت محوری به دوش دارند؛ زیرا محور چشم‌انداز و توسعه مورد نظر آن، دانش‌محور و دانایی‌بنیاد است. دو نهاد ملی و کلیدی تولید دانش در کشورمان، دانشگاه و حوزه هستند که هر یک با کار ویژه‌های خود در صحنه علمی کشور به ایفای نقش می‌پردازند و به طبیعت امر در جهت جامه عمل پوشاندن به اهداف توسعه ملی گام بر می‌دارند. این نوشتار به نقش انفرادی این دو نهاد نمی‌پردازد، بلکه بر آن است درامدی باشد بر بررسی نقش همگرایی این دو نهاد به منظور هم‌افزایی ظرفیتها در راستای اهداف چشم‌انداز بیست ساله ایران اسلامی.

واژگان کلیدی

حوزه، دانشگاه، همگرایی حوزه و دانشگاه، اهداف ملی، چشم‌انداز بیست ساله.

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۶/۱۱/۲۵

مقدمه

ایران در پگاه سده پانزدهم شمسی چه چشم اندازی دارد؟ و چگونه می تواند به آن دست یابد؟ پاسخ پرسش نخست با تبیین و تعریف سند چشم انداز بیست ساله تا حد زیادی داده شده است. اینک باید به پرسش دوم پاسخ داد و ساز و کارهای دستیابی به اهداف تعریف شده را شناخت و از آن جمله، نقش نهادهای مختلف اجتماعی را در تحقق این اهداف به بحث گذاشت تا راهکارهای شتاب بخشیدن به حرکت ملی در این مسیر، تقویت و موانع محتمل برطرف شود.

از آن رو که نهادهای علمی در تحقق اهداف ملی از جایگاه مهمی برخوردار بوده و نقش راهبری سایر نهادها را بر عهده دارند، در این نوشتار به حوزه و دانشگاه به عنوان ارکان فرهنگ و دانش کشور اشاره می شود که در این رابطه مسئولیت مستقیم دارند و پیوند و وحدت و همگرایی این دو نهاد بر توان پاسخگویی آنها به نیازهای ملی می افزاید.

از تعامل همگرایی حوزه و دانشگاه در روند تحولات اجتماعی و دستیابی به اهداف ملی در سه دهه گذشته با عناوین وحدت، پیوند، اتحاد، همکاری و ... یاد شده است. این نوشتار با تکیه بر مفهوم همگرایی، نگاهی کارکردگرایانه به این مقوله دارد. به دیگر سخن؛ با تأکید بر اهداف مشترک و لزوم تحقق این اهداف و ناکامی تکروری در این مسیر، همگرایی را برای هم افزایی ظرفیتها ضروری می داند. مراد از همگرایی، تعامل سازنده اجزای یک سیستم برای دستیابی به اهداف تعریف شده است. همچنین، با مروری بر تجربه همگرایی حوزه و دانشگاه در انقلاب اسلامی، اهداف ملی به عنوان اهداف کلان همگرایی بیان می شود. پس از آن، با نگاهی به اصول و مبانی همگرایی این دو نهاد، برخی از شروط توفیق همگرایی و ساز و کارهای اجرایی آن مورد توجه قرار می گیرد.

تجربه همگرایی حوزه و دانشگاه در انقلاب اسلامی

یکی از ثمرات پیوند این دو نهاد تأثیرگذار اجتماعی، پیروزی انقلاب اسلامی است؛ زیرا این دو جریان علمی و نخبگی کشور در فرایند نهضت، همگام و همراه با رهبری آن، هسته بسیج گر را شکل دادند. با انتقال پیام نهضت به این دو نهاد و درک صحیح آن، حوزویان و

همگرایی حوزه و دانشگاه: ضرورتی برای تحقق اهداف ملی ۳۱

دانشگاهیان به صورت عام آماده ایفای نقش راهبری جامعه بر پایه رکن دیگر انقلاب؛ یعنی اندیشه اسلامی شدند. با تجمع سه عنصر اصلی ایدئولوژی، مردم و رهبری، جهان شاهد تحوّل عظیم اجتماعی ربع پایانی قرن بیستم میلادی در منطقه‌ای مهم و استراتژیک بود که بسیاری از معادلات جهانی و منطقه‌ای را بر هم زد و گفتمانی نو را در عرصه جامعه و سیاست ارائه کرد. این تجربه موفق از اتحاد و همراهی، نشانگر امکان تحقّق حرکت فراگیر همگرایی در مسیر تکاملی جامعه اسلامی در بستر اندیشه انقلاب اسلامی است. ضرورت‌های این همگرایی که نمونه‌ای از آن را در مسیر پیروزی انقلاب شاهد بودیم، نه تنها همچنان به قوت خود باقی مانده، بلکه صد چندان شده است؛ زیرا اهداف عالی انقلاب از فردای پیروزی آن باید پیگیری شده، محقق گردد. جامعه‌سازی، فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی بر پایه اندیشه اسلامی به عنوان آرمانها و اهداف بلند انقلاب عظیم ملت مسلمان ایران - که در قانون اساسی جمهوری اسلامی متبلور است - با «اتکال به قدرت لایزال الهی» و در «پرتو ایمان و عزم ملی» و با «کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی» (برگرفته از متن سند چشم‌انداز) ممکن می‌شود. بازخوانی این اهداف ملی با نگاهی به چشم‌انداز بیست ساله، مبین ضرورت تلاش مشترک حوزه و دانشگاه و تعریف برنامه همگرایی این دو نهاد است.

مروری بر جایگاه این دو نهاد در جامعه اسلامی و اهداف همگرایی این دو از زبان رهبران انقلاب، مبین جایگاه این دو نهاد در روند تحولات اجتماعی و روشنگر نقش آنها در دستیابی به اهداف ملی است.

۱. حوزه و دانشگاه در اندیشه معمار انقلاب اسلامی، ارکان توسعه و تعالی و پیشرفت جامعه هستند.^۱

۱. «دانشگاه و حوزه‌های علمیه می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفتهای کشور و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه است که اشخاص متفکر و متعهد بیرون می‌آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند و اگر حوزه‌های علمیه مهذب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می‌توانند نجات بدهند». (امام خمینی، سال نشر؟، ج ۱۳، ص ۲۰۶) و: «فرق بین دانشگاه و حوزه‌های علمیه نیست، در اینکه اگر همراه با علم، تعهد باشد، تزکیه باشد، با این دو بال علم و اخلاق و عمل، مملکت خودشان را، کشور خودشان را نجات می‌دهند». (همان، ص ۲۰۷)

۲. سعادت و شقاوت جامعه در گرو این دو نهاد و اقدامات و برنامه‌های آنهاست و در این زمینه، هیچ تفاوتی میان حوزه و دانشگاه وجود ندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۷-۲۰۶)
۳. مراد از وحدت حوزه و دانشگاه، وحدت در هدف است و آن هدف، ایجاد جامعه اسلامی پیشرفته، مستقل، پیشاهنگ و الگوست.^۱
۴. وحدت حوزه و دانشگاه وحدت ماهوی است و این دو نهاد در حکم دو شعبه از یک مؤسسه واحد به نام مؤسسه علم و دین هستند.^۲
۵. پیوند این دو نهاد، تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی جامعه و آبادکننده دین و دنیای مردم است.^۳
۶. حوزه و دانشگاه مراکز تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد هستند. (همان، ص ۲۰۶)

۱. «وحدت حوزه و دانشگاه؛ یعنی وحدت در هدف و هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته مستقل، جامعه امام، جامعه پیشاهنگ، جامعه الگو حرکت نمایند». (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۲۶)

۲. «در نظام اسلامی، علم و دین پا به پا حرکت کنند. هدف حوزه و دانشگاه یعنی این ... دو شعبه از یک مؤسسه علم و دین، مؤسسه علم و دین یک مؤسسه است و علم و دین با همند. این مؤسسه دو شعبه دارد، یک شعبه حوزه‌های علمیه و شعبه دیگر دانشگاه‌ها. باید این دو با هم مرتبط و خوشبین باشند، با هم کار کنند از همدیگر جدا نشوند و از یکدیگر استفاده کنند». (همو، ۱۳۷۲/۹/۲۴)

۳. ما دو نهاد اصیل دانشجویی داریم. یکی متوجه به کسب علوم مربوط به فهم و تبلیغ دین و نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسائل روز و حادث شونده در زندگی است که این حوزه است و کارش عبارت است از تحقیق در مسائل دینی و فرا گرفتن احکام الهی در همه شئون زندگی، آن هم نه فقط در آنچه که مربوط به کنج محراب یا خانه است بلکه در قلمرو وسیع زندگی بشر، این گروه باید این را یاد بگیرند، احکام جدیدش را تحقیق کنند، ناخالصی‌ها و ناسره‌ها را از آن بردارند و آن را با زبان مناسب در هر جامعه‌ای و هر زمانی و هر مخاطبی به رساترین شکل ممکن به مخاطبین برسانند. این وظیفه آن نهاد حوزه‌ای است و اسمش حوزه علمیه است. یک نهاد دانشجویی دیگر داریم که این نهاد ناظر است به اداره امور زندگی مردم منهای مسائل مربوط به دین، مردم معاش دارند، کسب دارند، راه دارند، ساختمان دارند، جسم دارند، شناسایی‌های گوناگون لازم است. تحقیق در امور زندگی مردم لازم است علوم مختلف و انواع و اقسام دانشها، برای بهتر کردن و راه انداختن زندگی مردم، وجود دارد. این نهاد هم مشغول فراگیری این دانشهاست که اینها را فرا بگیرد... و آنها را برای پیاده شدن در جامعه آماده کند. تحقیقات نو، دنیایی را جذب کند و خودش به نوبه خود، تازه‌هایی در این دانشها بیافریند و به بشریت عرضه کند. این هم یک نهاد دانشجویی دیگر. حالا اگر هر دوی این نهادهای دانشجویی خوب کار کنند و با هم رابطه متقابل دوستانه و از خود دانستن یکدیگر داشته باشند معنایش این خواهد شد که این جامعه، هم دینش، هم دنیایش آباد خواهد شد. آنها جهت‌گیری زندگی او را تصحیح می‌کنند و اینها حرکات زندگی او را تسهیل می‌کنند. آنها فکر و ذهن و روح او را آنچنان که از زشتی‌ها و نادرستی‌ها می‌آلایند که بفهمد به کجا باید حرکت کند و اینها وسیله این حرکت را به دست او می‌دهند تا حرکت کند. (همو، ۱۳۷۳/۸/۱۱)

همگرایی حوزه و دانشگاه: ضرورتی برای تحقق اهداف ملی ❖ ۳۳

۷. لزوم ارتباط این دو نهاد و خوش‌بینی به یکدیگر و کار مشترک و جدا نشدن و بهره‌مندی متقابل از مزایای نسبی یکدیگر. (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۹/۲۴)

هر یک از دو نهاد حوزه و دانشگاه دارای مزیت‌های نسبی فراوان است. شناخت این مزیت‌ها می‌تواند به بهره‌مندی این دو مرکز علمی از آنها و هم‌افزایی ظرفیت‌ها کمک کند. در این زمینه، پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی متعددی صورت گرفته است که می‌تواند مفید باشد. در این مجال به برخی از محورهای مطرح در یکی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود. البته آنچه به عنوان مزیت نسبی یکی از دو نهاد مطرح می‌شود به مفهوم نفی آن دیگری نیست، به ویژه آنکه در سه دهه گذشته در نظام دانشگاهی و حوزوی تلاش کردند از این مزایا بهره‌مند شوند. از جمله مزیت‌های حوزه‌های علمیه عبارتند از:

- پیوند محکم با گذشته تاریخی، فرهنگی و اعتقادی جامعه؛
- تهذیب و تهذب در فرایند تعلیم و تعلم؛
- عبادت شمردن تعلیم و تعلم و نگاه الهی به آن؛
- عمق مطالعات (عناوین درسی کم، ولی عمیق)؛
- اخلاق تعلیم و تعلم (ارتباط معنوی و عاطفی استادان و طلاب و ...)
- نظام مباحثه دروس و گفتگوی علمی اساتید و طلاب و پرهیز از تک‌گویی در کلاس درس؛
- و ...

در دانشگاه می‌توان به موارد ذیل به عنوان برخی از مزیت‌های نسبی آن اشاره کرد:

- تلاش برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و برنامه‌ریزی برای آن؛
- جامعیت دانشگاه نسبت به علوم مختلف؛
- نظام ارزشیابی دانشگاه؛
- تکنولوژی آموزش؛
- نظام برنامه‌ریزی در دانشگاه؛

• ارتباط با مجامع علمی دنیا؛

• و ... (حسین زاده و تقی زاده، ۱۳۸۱، شماره ۱۴، ص ۹۴)

۱. لزوم توجه به تلاش بدخواهان برای جدایی حوزه و دانشگاه و تخریب این دو نهاد به منظور فراهم آوردن زمینه استیلاي مجدد بیگانگان بر کشور.^۱
۲. لزوم هوشیاری حوزه و دانشگاه برای جلوگیری از اقدامات واگرایانه در درون حوزه و دانشگاه و مقابله منطقی با این حرکتهای و تعریف سیستمهای نظام مند و مراقبت هوشمند در مقابل طرحهای تفرقه انگیز.^۲

اهداف ملی

مهم ترین سندی که به صورت عملیاتی اهداف ملی را در بیست سال آینده تبیین می کند، سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران است. این سند پس از قانون اساسی که اهداف کلان را بیان می کند، از جایگاه قانونی ممتازی برخوردار است که به تبیین راهبردهای تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی می پردازد. با عنایت به این سند، اهداف ملی بدین قرار هستند:

۱. «حالا که می بینید یک تحولی پیدا شده است، دانشگاهی متمایل شده است به روحانی، روحانی متمایل شده است به دانشگاهی، با هم هستند و می خواهند با هم کشور خودشان را به پیش ببرند، حالا شیاطین بیشتر در فکر هستند که روحانی را از یک طرف بکوبند و دانشگاهی را از یک طرف، و فساد کنند بین این دوتا، به آنها بگویند که اینها چطورند، به اینها بگویند که آنها چطورند». (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۰۷)

و: «چشم هایتان را باید خیلی باز کنید، در این زمان چشم و گوشها باید خیلی باز باشد که یک وقت می بینید از داخل خود دانشگاه و از داخل خود فیضیه شما را به فساد می کشانند، شما را به تفرقه می کشانند. اینها نمی توانند ببینند، اینهایی که نمی خواهند این کشور صحیح و سالم باشد و از ارباب های آنها که از اول هم نمی خواستند، نمی توانند ببینند که شما با هم مجتمع شده اید و می خواهید با هم کار کنید. آنها عواقب این امر را برای خودشان می دانند که اگر حقیقتاً "دانشگاهی و حوزه های علمی و همه دانشگاهها در هرجا که هستند اینها با هم بشوند و با هم نقشه داشته باشند برای پیروز کردن انقلاب، این برای آنها عواقبی دارد». (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۱۲)

۲. «توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هرچه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم تر و استوارتر سازند و از نقشه ها و توطئه های دشمن غدار غافل نباشند و به مجرد اینکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود در صددند بذر نفاق بین آنان افکنند، او را ارشاد و نصیحت نمایند و اگر تأثیر نکرد، از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می توان گرفت». (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۰۶-۱۶۹)

تحقق توسعه ملی همه‌جانبه به گونه‌ای که ایران قرن آینده شمس‌ی، دولت-کشوری توسعه‌یافته از نظر اقتصادی، علمی و فن‌آوری با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخشی در جهان اسلام و تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل؛ که بر پایه این دورنمای کلی، جامعه ایران ۱۴۰۴ دارای چنین ویژگی‌هایی باید باشد:

۱. توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها، و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی؛

۲. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فن‌آوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید؛

۳. امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛

۴. برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب؛

۵. فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛

۶. دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل؛

۷. الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نو اندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)؛

۸. دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزّت، حکمت و مصلحت. پیام اصلی سند چشم‌انداز، توسعه همه‌جانبه دانایی محور است که بستر شکل‌گیری تمدن نوینی را فراهم می‌سازد. با عنایت به نقش دانش و دانشمندان در این فرایند، بازخوانی دوران شکوفایی تمدن اسلامی و رمز و راز آن ضروری است.

با مراجعه به تاریخ تمدن اسلامی، در می‌یابیم که آن تمدن، محصول علم و معرفتی بود که ترکیبی از حوزه و دانشگاه امروزی آن را پدید آورد. اگر به دنبال احیای آن مجد و عظمت و در انداختن طرحی نو برای بنیانگذاری تمدنی نوین باشیم، باید آن ترکیب احیا و آن تفکیک‌های غیر ضرور و بلکه مضر، کنار گذاشته شود و با در نظر گرفتن عنصر زمان و تحولات شگرفی که در قرون گذشته تا کنون رخ داده است، بر پایه اهداف مشترک آن ترکیب باز تعریف شود. این ترکیب ضرورتاً مستلزم ادغام ساختاری نیست، بلکه با حفظ استقلال ساختاری و کارکردهای تعریف شده با تعریف اهداف مشترک و تقسیم کار علمی، برآیند این تعامل، تأمین‌کننده نیاز خواهد بود.

حوزه‌های علمیه از گذشته‌های دور - که البته در درون خود ترکیبی از حوزه و دانشگاه امروزی بود - و دانشگاه در یک سده گذشته از ارکان آموزش و پژوهش در کشور ما بوده و هر کدام به روش خود تأمین‌کننده نیاز جامعه علمی کشور و در صدد پاسخگویی به نیازهای عام جامعه بودند.

مروری بر اهداف چشم‌انداز، نشانگر مسئولیت سنگین ملی و همگانی، به ویژه در سطح نخبگان است. پس از تبیین این اهداف، نیازمند شناسایی ابزارها و وسایل ضروری و توشه لازم برای حرکت در این مسیر سخت و البته مقدس هستیم. این حرکت، نیازمند طرح و برنامه جامع است. حوزه و دانشگاه هم در طراحی باید سهم و دخیل باشند و هم در مراحل اجرای طرح، مسئولیت داشته باشند. اگر هدف عالی «مرجعیت علمی ایران اسلامی» در سطح جهانی را به این اهداف - که تحقق آنها نقش اول منطقه‌ای را به ملت و دولت ارزانی می‌بخشد - بیفزاییم، این مسئولیت تاریخی بیشتر احساس می‌شود.

همگرایی بر کدام پایه؟

هر حرکت همگرایانه در هر سطحی که باشد، چه سطح روابط اجتماعی یا سطح ملی یا سطح بین‌المللی، باید مبنای پایه محکم داشته باشد تا بر اساس سنگ بنای مستحکم، ساختار مورد نظر شکل گیرد و ماندگار شود. نسبت بنا و مبنا در تعریف موضوع این نوشتار، بسیار مهم است. ساختن چارچوب روابط دو نهاد تأثیر گذار اجتماعی و علمی، نیازمند مبنایی متین و استوار است. چارچوب روابط حوزه و دانشگاه، اندیشه اسلامی است که پایه و اساس تحوّل عظیم اجتماعی تاریخ معاصر ایران؛ یعنی انقلاب اسلامی قرار گرفت و نظام نوینی را بنیان نهاد. از آن رو که جهان‌بینی الهی اسلام چتری است که بر سر همه اجزا و ارکان نظام اجتماعی برآمده از انقلاب قرار می‌گیرد، باید این جهان‌بینی بیش از پیش مورد توجه و عنایت قرار گیرد. علاوه بر آن، نقطه تمایز همه نظامات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در جهان‌بینی آنها نهفته است که بر پایه آن، قوانین و مقررات شکل می‌گیرد و جهت‌گیری‌ها مشخص می‌شود. توجه به جایگاه دانش و معرفت و نقش و منزلت دانشمندان در جهان‌بینی اسلامی باید نقطه عزیمت جریان همگرایی دو نهاد علمی و اجتماعی حوزه و دانشگاه باشد. این نوع نگاه و رویکرد در سده‌های گذشته پس از تحولات قرون میانی اروپا مورد بی‌مهری، غفلت، طرد یا تغافل قرار گرفت که ریشه در مشکلات درون‌دینی، درون‌فرهنگی و درون‌تمدنی اروپا داشت و عمدتاً به تعارض علم و دین در آن حوزه فکری و فرهنگی و جغرافیایی بر می‌گشت. امری که از اساس با نگاه اسلام به علم و جایگاه معرفت و دانش و دانستن و دانایی در دین خاتم، متفاوت و متغایر است. بر این اساس، نکات ذیل به عنوان پایه‌های این حرکت و نقاط عزیمت فرایند همگرایی حوزه و دانشگاه باید مورد عنایت قرار گیرد و بر تقویت نظری و عملی آنها تأکید شود؛ نکاتی که ضرورت همگرایی را بیشتر نشان می‌دهند و روند آن را شتاب می‌بخشند:

۱. اسلام دین خرد، دانش و شناخت است. معجزه پیامبر خاتم (ص) کتاب است. کتاب الهی در نخستین آیاتی که بر پیامبر نازل شد، بر خواندن تأکید می‌کند و در بسیاری از آیات از مفاهیم علم، عقل، فکر و معرفت سخن گفته می‌شود.^۱

۱. علق، ۱. در قرآن واژه «علم» و مشتقات آن بیش از هشتصد بار بکار رفته و صدها بار از واژه «عقل»، «فکر» و «معرفت» و مشتقات آنها استفاده شده است. در اسلام تعارضی بین علم و دین، علم و ایمان وجود ندارد: حج، ۵۴، عنکبوت، ۴۹، آل عمران، ۱۸.

۲. دانش در اسلام، در ردیف ایمان و از حرمت فراوان برخوردار است. (مجادله، ۱۱)
۳. دانش در اسلام، بلندمرتبه است و دانشمندان و جویندگان دانش ارزشمندترین مردم هستند. (مجادله، ۱۱؛ زمر، ۹)
۴. دانشجویی در اسلام بر هر مسلمانی، چه مرد و چه زن، واجب شمرده شده است.^۱
۵. در دیدگاه اسلامی برای فراگیری دانش هیچ محدودیتی وجود ندارد. (طه، ۱۱۴)
۶. در اسلام بر دانش مفید تأکید می‌شود.
۷. اسلام برای جلوگیری از انحراف و افتادن در دام طغیان، دانش را با تزکیه و اخلاق و

ایمان به خدا مطرح می‌کند. (ر.ک. به: سوره علق، ۷-۶؛ آل عمران، ۱۶۳ و جمعه، ۲)

تأکید اسلام بر تلازم دانش و ایمان و آموزش و تزکیه از آن روست که علم بدون ایمان، الحاد و استکبار را به دنبال دارد و آن چیزی است که امروز و همیشه در تاریخ، در میان قدرتهای استکباری مشاهده می‌شود و نتیجه‌ای جز جنگ و خونریزی و نابودی به همراه نداشته است؛ آن‌گونه که در جنگهای جهانی اول و دوم و منازعات منطقه‌ای در یک قرن گذشته رخ داد، یا پیشرفت و رفاه مادی بدون آرامش و همراه با ترس و نگرانی دائم از زرادخانه‌های سلاحهای کشتار جمعی را به همراه دارد. دانش منهای ایمان بُت می‌شود و از فن آوری، به عنوان ابزار سلطه و استیلا و استعمار و استثمار و عقب نگه داشتن دیگران بهره می‌برد.

علاوه بر آن، در اندیشه اسلامی، علم و ایمان در تعامل با یکدیگر می‌باشند، به گونه‌ای که یکی مولد دیگری است. ایمان حقیقتی دانش‌افزا است و دانش اصیل، بر ایمان می‌افزاید. الگوی نوین توسعه علمی مورد نظر در این دیدگاه - که احیاگر رویکرد اصیل اسلامی به این حوزه است - دارای چنین ویژگی‌هایی است که آن را از سایر الگوها متمایز می‌کند. بر خلاف آنچه در اروپای قرون وسطی و دوره رنسانس مطرح شد که علم و ایمان رو در روی یکدیگر قرار گرفتند، این دو در دیدگاه اسلامی به عنوان ارکان حرکت و رشد و توسعه و تعالی فردی و اجتماعی به شمار می‌آیند.

۱. ابن ماجه، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۸۰؛ کلینی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۱-۳۰.

با عنایت به مطالب پیش گفته، فرایند همگرایی حوزه و دانشگاه را باید بر این اصول استوار کرد و در تحکیم آنها کوشید. توجه به این مبانی، ضرورت همگرایی را بیشتر آشکار می‌سازد و روند آن را شتاب می‌بخشد. تبیین هر چه بیشتر این مبانی، هم پاسخی به نیاز جهان مدرن و سرگشته است و هم تذکری است برای رهپویان این راه که از این اصول راهنما غافل نشوند.

شروط همگرایی

برای توفیق فرایند همگرایی حوزه و دانشگاه و دستیابی به آن همانند هر حرکت مشابه، شروطی وجود دارند که فراهم شدن آنها لازمه توفیق این فرایند است:

- مفروض انگاشتن نسبت علم و دین در اندیشه اسلامی و نگاه اسلام به دانش و دانشمند.
- تعریف دقیق و روشن راهبردها و سیاستها و برنامه‌ها بر پایه چشم‌انداز و رسالت تعریف شده برای پروژه همگرایی حوزه و دانشگاه.
- حرکت همگرایانه باید واقع‌بینانه باشد و با رویکردی علمی، نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدها را شناسایی کند و آهسته و پیوسته و با برنامه به سمت اهداف حرکت کند.
- پیشگیری از اقدامات واگرایانه در سطوح نظری و عملی. ضمن آنکه باید محیط نقد سازنده را فراهم کرد و از هرچه باعث تضعیف همگرایی و پیوند حوزه و دانشگاه می‌شود، پرهیز نمود.
- آسیب‌شناسی مسیر پیموده شده و شناخت دقیق چالشها، به هموار کردن مسیر پیش رو کمک می‌کند. اینک پس از سه دهه از طرح بحث وحدت حوزه و دانشگاه که از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی است،^۱ باید مروری بر آنچه گذشته صورت گیرد و مراحل کار بازمینی شود تا ایستگاه تاریخی که در آن ایستاده‌ایم به صورت دقیق تعریف شود.
- در پرتو انقلاب اسلامی گام همدلی که گام مهمی بود، تا حد زیادی برداشته شد و

۱. «من بزرگ‌ترین پیروزی را آشتی بین دانشگاه و مدارس علمی می‌دانم. اگر ما هیچ پیروزی پیدا نکرده بودیم الا همین معنا که بین دانشگاه و طبقه روحانی نزدیک کردیم و تفاهم حاصل شد و ...» (صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۱)

شاهد هم‌زمانی و نیز هم‌اندیشی این دو نهاد در عرصه‌های گوناگون بوده‌ایم. اما این حد از تقریب برای طرح بزرگ تمدن‌سازی کافی نیست. باید با پشت سر گذاشتن مراحل همدلی و هم‌اندیشی و هماهنگی و همکاری، به درجه‌ای بالاتر از همگرایی دست یافت. ضمن آنکه حفظ داشته‌ها و دستاوردها از آفات محتمل نیز ضروری است.

• مطالعه و بررسی سوابق و تجربیات در این زمینه در سایر حوزه‌های فرهنگی و تمدنی در گذشته و حال و بهره‌گیری از آنها در این جهت و درس‌آموزی از نتایج ناگوار جدایی علم و دین در مغرب‌زمین.

• شناسایی ظرفیتها و توانمندی‌های یکدیگر جهت برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری مشترک و هم‌افزایی.

• پذیرش استقلال یکدیگر به ویژه در حوزه ساختاری و احترام متقابل. البته این استقلال مطلق نیست، بلکه نسبی است. بدین مفهوم که دو نهاد ضمن آنکه در ساختار و کارکرد مستقل بوده، در تعامل با هم بوده و از تجربیات یکدیگر برای ارتقا بهره‌مند می‌شوند.

• پذیرش تقسیم کار اجتماعی موجود میان این دو نهاد برای پاسخگویی به نیازهای جامعه و همکاری در حوزه‌های مشترک و تخصص‌گرایی در مباحث؛ به گونه‌ای که در عناوین گوناگون به تناسب متخصصان، یکی از دو نهاد، محور قرار گرفته و صاحب‌نظران نهاد دیگر کمک نمایند. البته این واقعیت را نیز باید پذیرفت که در دو دهه گذشته اقبال حوزویان به مباحث دانشگاهی سیر صعودی داشته است و تا حد زیادی صبغه حوزوی-دانشگاهی گرفته‌اند. اقبال دانشگاهیان هم به علوم حوزوی مشاهده می‌شود، ولی روند پرشتابی نداشته است.

• توجه به رشته‌ها و عناوین مطالعاتی دانشگاهی و حوزوی که همپوشانی دارند و استفاده از این ظرفیت برای تعامل و همکاری بیشتر و در نتیجه هم‌افزایی تلاشها.

• باورمندی به مقوله دانشگاه اسلامی و محوریت بخشیدن به تحقق این هدف عالی - که جامع اهداف حوزه و دانشگاه است - در طراحی سیاستها و راهبردها و برنامه‌ها.

ساز و کارهای پیشنهادی برای دستیابی به همگرایی مطلوب با عنایت به آنچه گذشت، علاوه بر نکات مطروحه در شروط همگرایی، برخی «ساز و کارهای اجرایی و عملیاتی» در این زمینه تقدیم می‌شود که باید در یک هم‌اندیشی حوزوی و دانشگاهی مورد نقد و بررسی قرار گرفته، به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر مطرح شود.

۱. کارکردگرایی بر پایه سند راهبردی

مقوله همگرایی این دو نهاد، باید بر پایه اصول و قواعد مشخص؛ یعنی سند راهبردی وحدت حوزه و دانشگاه و با نگاهی واقع‌بینانه و کارکردی در چارچوب یک فرایند تعریف شود تا درصد توفیق آن بالا رود. بازتعریف این مقوله با این رویکرد و در قالب یک طرح ملی می‌تواند به این حرکت کمک کند. اکنون که بحث از سند توسعه ملی؛ یعنی چشم‌انداز بیست ساله است، ضروری است ضمن تعریف جایگاه حوزه و دانشگاه در این حرکت علمی، چارچوبی برای تعامل دو نهاد و تقسیم کار اجتماعی بین آن دو، تبیین نمود تا بتوان نتایج را دقیق‌تر و ملموس‌تر بررسی کرد.

۲. ایجاد ایستگاههای تحقیقاتی مشترک در سطوح ملی و محلی (استانی و شهرستانی)

با توجه به گستردگی و پراکندگی مراکز آموزش عالی و همچنین مراکز حوزوی متعدد در کشور، لازم است با تشکیل ستاد مشترکی در مرکز، ایستگاههای پژوهشی مشتری با حضور نخبگان دو نهاد برای اجرای طرحهای گوناگون و پاسخگویی به نیازها تشکیل شود.

۳. هم‌افزایی ظرفیتهای پژوهشی برای حضور مؤثر در صحنه بین‌المللی

با توجه به رتبه‌بندی^۱ کشورها و مراکز علمی آنها در سطح بین‌المللی و با توجه به میزان تولید علم در آنها، در صورت تعامل دقیق این دو نهاد و هم‌افزایی ظرفیتهای آنها به ویژه در حوزه علوم انسانی و برگردان تولیدات علمی حوزه به زبانهای علمی بین‌المللی، رتبه ایران بسیار بالا خواهد رفت. البته این نکته صرفاً از باب رتبه‌بندی و ارتقای جایگاه ایران نیست، بلکه از باب

ضرورت عرضه اندیشه دینی در عرصه جهانی و تبیین ظرفیت دین اسلام در پاسخگویی به نیاز جوامع است که مقدم بر بحث ارتقای رتبه ملی می‌باشد.

۴. برنامه‌های مشترک جهت استفاده مطلوب‌تر از ظرفیت فضای مجازی

خوشبختانه در سالهای اخیر شاهد تولید متنوع و گسترده انواع نرم‌افزارها به ویژه در حوزه علوم اسلامی در کشورمان بوده‌ایم و دانشگاهها نیز در این زمینه گامهای خوبی برداشته‌اند. تعامل هرچه بیشتر این دو نهاد و همکاری در این زمینه و بهره‌گیری از زبانهای علمی بین‌المللی می‌تواند سهم کشور را در حوزه چند رسانه‌ای افزایش دهد. امروز کتابخانه دیجیتال در دستور کار سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) و سایر مجامع جهانی قرار گرفته و ضروری است ایران حضور فعال در این عرصه داشته باشد.

جان کلام اینکه، رویکرد کارکردگرایانه، علاوه بر آثار مثبت ملی و خدمت به جامعه، از رهگذر شتاب بخشی به روند توسعه و تحقق اهداف چشم‌انداز بیست ساله، به فرایند همگرایی حوزه و دانشگاه در چارچوبی مشخص کمک می‌کند تا به اهداف خود به صورت پیوسته و تدریجی و نهادینه شده دست یابد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ماجد محمد ابن یزید (۱۴۲۱ق)؛ ستن ابن ماجد، بیروت، دارالاحیا.
۳. امام خمینی (۱۳۷۴)؛ صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۰۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
۴. حسین زاده، اکرم و تقی زاده، محمد احسان (۱۳۸۱)؛ «مقایسه نظام آموزش حوزه و دانشگاه»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال ششم، ش ۱۴، ص ۹۴.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی؛ نقل از: www.khamenei.ir.
۶. سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران.
۷. کلینی، یعقوب (۱۳۷۷)؛ اصول کافی، ج ۱، ترجمه مصطفوی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ اسلامی.